



١٣٧١



دانشگاه مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

توبه در مثنوی معنوی

استاد راهنما:

آقای دکتر احمد امیری خراسانی

استاد مشاور:

آقای دکتر محمدصادق بصیری

مؤلف:

سارا کریمی

شهریور ماه ۸۷

۱۳۷۱۶۸

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی
شماره ثبت کتاب: ۱۳۷۱/۳۱/۱۳۸۹



دانشگاه شهید باهنر کرمان

پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشدیه

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو:

سازا گریبی

استاد راهنما:

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد مشاور:

دکتر محمدصادق بصیری

داور ۱:

دکتر محمد رضا صرفی

داور ۲:

دکتر بهجت السادات حجازی

داور ۳:

دکتر سعید بزرگ

۱۳۸۹ / ۳ / ۱۷

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر عنایت الله شریف پور

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که

وجودشان برایم همه عشق است و

وجودم برایشان همه رنج

توانشان رفت تا به توانایی رسم و

مویشان گرد سپیدی گرفت تا رویم سپید بماند

تقدیم به برادر مهربانم که پیوسته در کنارم بود

تقدیم به همسر شایسته و فداکارم

کسانی که فروغ نگاهشان و گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه جاودانی

زندگی من است.

سپاس داشت

ستایش بیکران ایزد منان را که در پرتو الطاف لایزالش توفیق آموختن و اندیشیدن میسر گردید. رحمت و اسعش فرصتی مغتنم داد که به اقتضای توان و وسع خویش از محضر اساتید گرانقدر بهره جویم و ره توشه‌ای از بار اخلاقی و علمی آنها بگیرم.

اینک به پاس این غنیمت بر خود لازم می‌دانم از تمامی عزیزانی که مرا در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

آغازین سپاس خود را از استاد ارجمندم آقای دکتر احمد امیری خراسانی دارم که علیرغم بار سنگین مسؤولیت با راهنماییهای ارزشمندشان در انجام این تحقیق مرا یاری نمودند.

همچنین از استادبزرگوارم جناب آقای دکتر محمد صادق بصیری بخاطر کمک‌ها و پیشنهادهای بی‌دریغ و ارزنده‌شان کمال تشکر و امتنان را دارم.

از اساتید محترم داور جناب آقای دکتر محمد رضا صرفی و سرکار خانم حجازی که زحمت مطالعه و داوری این پایان‌نامه را بر خود هموار کرده‌اند و با رهنمودهای ارزنده‌شان در غنی‌شدن این پایان‌نامه کمک رسانده‌اند، سپاسگزارم.

و در نهایت از زحمات تمامی اساتیدی که در طول دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد افتخار شاگردی آنها را داشته‌ام مخصوصاً جناب آقای دکتر محمود مدبری، که اندیشیدن را به من آموختند و پیوسته کلام گرمشان روشنگر راهم بود، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم و برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون دارم.

زندگی نامه

زندگی مولانا سرشار از شوریدگی و شعف عشق است. وی در طول عمرش که از شصت و هشت سال تجاوز نکرد، لحظه ای از طلب نشستگی و در هیاهوی زندگی دنیا از هدف والای خلقت بشریت بازمانده است.

جلال الدین در ۶ ربیع الاول سال ۶۰۴ ه. ق برابر با ۳۰ دسامبر ۱۲۰۷ م در بلخ متولد شد. هر چند که او در اثر منشور خود «فیه ما فیه»، اشاره به زمان پیش تری می کند، یعنی در مقام شاهی عینی از محاصره و فتح سمرقند به دست خوارزمشاه (۶۰۴ ق/ ۱۲۰۷ م) سخن می گوید، با این حال روز تولد او را عموماً در ۶ ربیع الاول سال ۶۰۴ ه. ق پذیرفته اند (شیمل؛ ۱۳۶۸)

پدرش بهاء ولد، واعظ و قاضی و صوفی مشهوری بود. وی هم در علوم ظاهری (شریعت) مرجعیت داشت و هم در علوم باطنی (طریقت)، و از این رو هم مسلمانان عادی را در انجام وظایف دینی شان هدایت می نمود و هم گروهی برگزیده از مریدان را در راه تزکیه نفس و دستیابی به کمال معنوی راه می نمود (سی چیتیک؛ ۹: ۱۳۸۳).

مولانا نیز چون پیشینیان، در سنین کودکی به آموزش علمی چون نحو و صرف و منطق و الهیات و نجوم و ریاضی پرداخت. در سن سیزده سالگی (۶۱۷ ه. ق) به همراه خانواده به آهنگ حج از خراسان عزیمت عراق و حجاز نمودند. البته دلیل اصلی این هجرت مخالفت با سلطان خوارزمشاه به دلیل بی کفایتی وی در امر آرامش و امنیت بود. در قلمروی که سلطان مستبد آن نمی توانست از تزلزل ایمن بماند، پیداست که بهاء ولد و یارانش با اصراری که حکام و قاضیان

و علمای محل و خود سلطان در اظهار مخالفت با آنها نشان می دادند تا چه حدی می توانست خود را در ایمنی بیابد. (زرین کوب؛ ۱۳۷۰: ۴۳)

وی بعد از وفات پدر، وظایف او را به عنوان واعظ و قاضی به عهده می گیرد و در مجالس خود اسرار روحانی را مورد بحث قرار می هد. تا اینکه در سال ۶۴۲ ه.ق، شمس تبریزی با ورود خود به قونیه (محل زندگی مولانا در آن زمان) مولانا را متحول می سازد.

در سال ۶۲۶ ق. این خانواده به درخواست امیر سلجوقی علاء الدین کیقباد به قونیه نقل مکان کرد و بهالدین ولد در ۱۸ ربیع الثانی سال ۶۲۸ ق در همانجا در می گذرد.

مولوی اغلب کتاب «معارف» پدر را به همراه خود داشته و مطالب آن را نیز در مجالس نقل می کرده است. دل بستگی مولوی به این کتاب، باعث شد که شمس تبریزی برای مدتی او را از همراهی با این کتاب منع کند تا دل به آن نبندد و مانع سیر و سلوک آن نشود. اما در مجموع مضامین بهاء ولد و بعضی قصه های او در مثنوی به کار می رود. (زرین کوب؛ ۱۳۶۴: ۶۹ و ۶۸۹). طبق گفته افلاکی و تأیید شادروان فروزانفر، جلال الدین قبلاً هم شمس را در دمشق دیده بود. حقیقت امر هر چه باشد، ظهور و حضور شمس تبریزی نقطه عطفی مهم در زندگی و سلوک مولانا است. (خرمشاهی؛ ۱۳۸۷: ۶)

به دلیل رهایی از خلق و گوشه نشینی و حضور یافتن در نزد شمس، رشک و حسرت مریدان و اطرافیان مولانا را تحت تأثیر قرار داد. تا آنجا که شمس در ۲۱ شوال ۶۴۳ ق. به دمشق رفت و مولانا از درد مشتاقی و مهجوری به شعر و غزل گفتن نشست و به سماع که با بی قراریهایش هماهنگ بود، برخاست (باز فرو ریخت عشق از در و دیوار من / باز ببرد بند اشتر کین دار من) (همان: ۷)

شمس را به دلیل سرگشتگی و آوارگی اش «پرنده» می خواندند. اما این گریز شمس، حسرت مریدان را فرو نشانند. چرا که مولانا در پی هجرت آشفته تر می شود. مولانا فرزندش «بهاء ولد» را با نامه و تقاضا به دنبال شمس می فرستد و بهاء ولد او را به قونیه باز می گرداند. اما باز هم آتش مخالفت و حسادت مریدان، شمس را بر آن داشت که برای همیشه ناپدید گردد. در پنجم شعبان ۶۴۵ ق. شمس با همدستی برادر سلطان ولد - علاءالدین - یا به تحریک و اغوای او کشته شد و جسدش را درون چاهی انداختند. (دهباشی؛ ۱۳۸۴: ۱۵)

دوران هم نشینی مولانا با شمس تبریزی را دوران سوختگی بعد از خامی و پختگی وی دانسته اند. پس از مرگ شمس، مولانا در سال ۶۴۷ ق. ادعا می کند که شمس بار دیگر در هیأت یکی از مریدانش - صلاح الدین زرکوب قونوی - بر او تجلی یافته است و بار دیگر او را مفتون ساخته. مریدان دریافتند که عشق شمس بسی قابل تحمل تر از عشق صلاح الدین است چرا که وی را از کودکی می شناختند که زرگری بی سواد است. و به همین توطئه ای بر قتل او کردند که البته بی نتیجه ماند. صلاح الدین پس از ده سال خدمت در جوار مولانا در گذشت. تاریخ وفات او را طبق کتیبه ای که در مقبره اش هست، اول محرم ۶۵۷ ق نوشته اند.

آخرین حامی و انیس مولانا پس از صلاح الدین، حسام الدین چلبی، الهام دهنده سرودنِ مثنوی است. وی تا آخرین لحظات پایانی عمر مولانا همدم وی بود. وفات مولانا را ششم جمادی الثانی ۶۷۲ ق ذکر کرده اند.

مجموعه حاضر بررسی یکی از مفاهیم اعتقادی - اخلاقی در اثر جهانی مولانا یعنی مثنوی می - باشد. در این گزیده سعی شده است که زمینه ها، عوامل، شرایط، زمان، شیوه های بیانی خاص

توبه از زبان این اثر به تحلیل و بررسی رسد. دلیل انتخاب موضوع مذکور در این اثر استعداد و آمادگی آن در ملموس بودن جریان زندگی روزمره است چنانکه بر خلاف دیوان شمس، مثنوی تا حدودی خشک و نمایانگر کوششی است مستدل و سنجیده برای توضیح ابعاد متفاوت زندگی و کارورزی معنوی، برای مریدانی که قصد گام نهادن در طریقت را دارند. به عبارت کلی تر، مثنوی برای کسانی سروده شده که برای سبک و سنگین کردن معنای زندگی و وجود، وقت و فرصت کافی دارند. (سی چیتیک؛ ۱۳۸۳: ۱۵)

چکیده

موضوع این تحقیق درباره یکی از مهمترین مراحل سلوک و طی طریق به سوی خدا، یعنی توبه و بازگشت به فطرت پاک نخستین در مثنوی معنوی است.

هر چند درباره مثنوی معنوی و ظرایف و دقایق آن تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است، بی شک غواصی در بحر بیکران مثنوی همواره ضرورت دارد تا درهای ناسفته‌ای که تا کنون به دست نیامده همچون جان‌مایه عرفان و تصوف بیش از پیش در این اثر گرانسنگ بررسی و جستجو گردد. درباره «توبه» در مثنوی معنوی تا کنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته و ضرورت و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست زیرا حلقه به هم پیوسته عرفان و حکمت نیاز به آشنایی با راههایی دارد که مولانا برای تکامل مقام انسان پیشنهاد می‌کند. یکی از این راهها، راه توبه و انابه است.

برای رسیدن به پاسخ پرسشهای مفروض در این تحقیق ابتدا ابیات مربوط به موضوع توبه در مثنوی معنوی از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استخراج گشته، سپس با طبقه‌بندی و تنظیم اطلاعات دریافتی در مورد عناوین مختلف توبه و اجزای آن، اقدام به تألیف و تدوین این پایان نامه شده است.

این تحقیق نشان می‌دهد که مولانا گناه را با دیدگاهی دوگانه می‌نگرد، چنانکه از جهتی آن را عاملی منفی می‌داند و از دیدگاهی دیگر از آن به عنوان عاملی مثبت و امیدوارانه یاد می‌کند که منجر به توبه می‌گردد. مولانا در باب گناه و توبه، جبر و اختیار را در هم آمیخته و با تلفیق این دو اعتقاد (امر بین الامرین)، دیدگاه او به دیدگاه شیعه نزدیک گشته است. وی اصل «شفاعت» را با تمام زوایا و ابعاد آن به عنوان یکی از شرایط توبه پذیرفته است. که این مطلب نیز، دلیلی بر اثبات نظریه پیشین است.

کلید واژه: توبه، گناه، مثنوی، مولانا

فهرست

صفحه	عنوان
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- توبه در شرع
۳	۳-۱- توبه از دیدگاه فلاسفه
۳	۴-۱- توبه در عرفان
۴	۵-۱- بررسی لغوی واژه توبه
۴	۶-۱- بیان مسأله
۵	۷-۱- هدف از تحقیق
۵	۸-۱- ضرورت تحقیق
۶	۹-۱- سؤال‌های‌افرضیه‌های تحقیق
۶	۱۰-۱- پیشینه تحقیق
۶	۱۱-۱- روش تحقیق

فصل دوم : عوامل توبه

۹	۱-۲- عوامل توبه
۱۰	۱-۱-۲- گناه
۱۱	۱-۱-۱-۲- حسد
۱۴	۲-۱-۱-۲- تکبر
۱۷	۳-۱-۱-۲- حرص

۱۹ عوامل گناه	۲-۲
۱۹ فراموشی	۱-۲-۲
۲۰ حرص	۲-۲-۲
۲۲ سرمستی از نعمت	۳-۲-۲
۲۲ بی عقلی	۴-۲-۲
۲۴ غرور و ادعا در وقت توانایی	۵-۲-۲
۲۵ آثار گناه	۳-۲
۲۵ غفلت	۱-۳-۲
۲۸ سستی در عبادت ها	۲-۳-۲
۲۹ عذاب	۳-۳-۲
۳۶ توفیق الهی	۴-۲
۴۵ آموزگار توبه	۱-۴-۲
۴۷ عذاب و ابتلاء	۵-۲
۴۹ آشکار شدن حقیقت	۶-۲

فصل سوم : شرایط توبه

۵۲ شرایط توبه	۱-۳
۵۲ پشیمانی	۱-۱-۳
۵۴ توبه عملی	۲-۱-۳
۵۶ اقرار به زبان	۳-۱-۳
۵۷ استغفار	۴-۱-۳
۵۸ تواضع	۵-۱-۳

- ۶۰ دعا -۶-۱-۳
- ۶۴ زاری -۷-۱-۳
- ۶۷ دعوت الهی به زاری -۱-۷-۱-۳
- ۷۰ ریاضت و مراقبت -۸-۱-۳
- ۷۳ شفاعت -۹-۱-۳
- ۷۵ واسطه شدن و شفاعت گری صالحان -۱-۹-۱-۳
- ۷۷ شفاعت در مقام نازل تر -۲-۹-۱-۳

فصل چهارم : زبان توبه

- ۸۱ الهام کردن اذکار توبه -۱-۴
- ۸۲ وسعت مغفرت ، دلیل گستاخی -۲-۴
- ۸۳ لطف ازلی -۳-۴
- ۸۵ اظهار عجز -۴-۴
- ۸۷ فراق -۵-۴

فصل پنجم : زمان توبه

- ۹۰ زمان توبه -۱-۵
- ۹۰ فوریت در توبه -۲-۵
- ۹۲ تأخیر در توبه -۳-۵
- ۹۵ توبه در هنگام مرگ -۴-۵
- ۹۷ تداوم توبه -۵-۵

فصل ششم : توبه متعالی

- ۱۰۰ توبه متعالی -۱-۶

۱۰۲..... ۲-۶- مهيار نفس

فصل هفتم : پذيرش توبه

۱۰۸..... ۱-۷- پذيرش توبه

۱۱۰..... ۲-۷- تجلی توأبیت

۱۱۱..... ۳-۷- رجا

۱۱۴..... ۴-۷- سهولت در پذيرش توبه

فصل هشتم : آثار توبه

۱۱۸..... ۱-۸- آثار توبه

۱۱۹..... ۲-۸- رهایی از عذاب و دوزخ

۱۲۰..... ۳-۸- پاک شدن از گناهان و محبوبیت یافتن نزد خداوند

۱۲۲..... ۴-۸- رهایی از دام نفس و انانیت

۱۲۳..... ۵-۸- فتوح و گشایش در کار

۱۲۴..... ۶-۸- قدرت معنوی

۱۲۵..... ۷-۸- معرفت و بصیرت

۱۲۷..... ۹-۸- نتیجه گیری

۱۳۲..... ۱۰-۸- منابع

فصل اول

مقدمه

یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات عرفا، توبه است. توبه اگرچه در نظر مفسران علم اخلاق، متکلمان و محدثان از جایگاهی بلند و ارزشی والا برخوردار است، اما عارفان و صوفیان توجه و عنایتی خاص و ویژه به آن مبذول داشته اند.

از نشانه های اهمیت توبه، تاریخ دیرینه آن است؛ زندگی حضرت آدم (ع) در این عالم خاکی با آن آغاز می شود «فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ، فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (بقره. ۳۷) و پیام آوران و هادیان بشری چون ابراهیم، اسماعیل «أَرْتَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (بقره. ۱۲۸)، و یونس «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (انبیاء. ۸۹)، و موسی «فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ». (اعراف. ۱۴۳)، و پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله - همواره در حال توبه و طلب بوده اند «إِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ».

۱-۲- توبه در شرع

واژه توبه و مشتقاتش نود و دو بار در قرآن ذکر شده است. توبه در اصطلاح شرع، بازگشت بنده از عصیان و روی آوردنش به طاعت معرفی شده است (حسنی دشتی، ج ۳؛ ۱۳۶۹)

اگر چه به نظر می رسد که توبه یک مسأله فردی است و به ارتباط انسان با خداوند مربوط می شود، اما رویکردهای قرآنی اینگونه می نماید که این مسأله امری اجتماعی است. موارد بسیاری که مسأله توبه در قرآن مطرح شده، پیش از آنکه مرتبط با مسائل شخصی باشد، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با مسائل اجتماعی دارد. از آن میان می توان به موارد توبه از نفاق، تهمت، و دیگر فسادهای اخلاقی و اجتماعی اشاره کرد. توبه را در ادیان به تغییری توصیف می کنند که در فکر

شخص حادث شده است. (هاکس؛ ۱۳۷۷: ۲۶۸) در رساله قشیریه آمده است: «توبه اول مقامی است از مقام های جویندگان و حقیقت توبه در لغت، بازگشتن بود از نکوهیده ها باز آنچه پسندیده است از شرع». (قشیری؛ ۱۳۶۱: ۱۳۷)

۱-۳- توبه از دیدگاه فلاسفه

توبه از دیدگاه فلاسفه عبارت است از عکس العمل نشان دادن مقامات عالی و مقدس روح انسان، علیه مقامات دانی و پست و حیوانی انسان. «توبه» عبارت است از قیام و انقلاب مقدس قوای فرشته صفت انسان علیه قوای بهیمی صفت و شیطان صفت انسان، این واژه در علم فلسفه به طور خلاصه به «شوریدن بر ضد خود» توصیف می شود. (زکریایی: ۱۱۶). حقیقت توبه رجوع از احکام و تبعات طبیعت است به سوی احکام روحانیت نفس و فطرت. (امام خمینی؛ ۱۳۷۳: ۲۷۲)

۱-۴- توبه در عرفان

توبه در عرفان و مقامات سلوک اولین منزل سالکان راه حق است. در این حیطة از آن به عنوان انقلابی بزرگ از درون که دل را از تحت سیطره و سلطنت دیو منیت و هواها و شهوتها بیرون می آورد و آن را آماده مقامات والاتر می گرداند یاد شده است. عزالدین محمود کاشانی توبه را اساس مقامات و مفتاح جمیع خیرات و اصل همه منازل و معاملات قلبی و قالبی ذکر می کند. (کاشانی؛ ۱۳۸۵: ۳۶۷) نجم الدین رازی در کتاب مرصاد العباد می گوید: «اول مقام توبه است. باید که توبتی نصوح کند و این اساس محکم نهد که بنای جمله اعمال بر این اصل خواهد بود و اگر این اساس به خلل باشد در نهایت کار خلل آن ظاهر شود و جمله باطل گردد.» (رازی؛ ۱۳۷۱:

(۲۵۷)

۱-۵- بررسی لغوی واژه توبه

توبه در لغت از ماده «توب» به معنای «رجع» (بازگشت) است. ابن فارس متوفای ۳۹۵ ه. در «معجم مقاییس اللغة» می گوید: «توب» التاء و الواو و الباء کلمه واحده تدل علی الرجوع یقال تاب من ذنبه، أی رجع عنه، یتوب الی الله توبه و متاباً...» (فارس: ۳۵۷)

سنجش احتمالات مختلف، بیشتر این نظریه را تأیید می کند که واژه «توبه» ریشه در زبان یهودی دارد این واژه را در زمره واژه هایی که تعیین اصل آنها دشوار است فهرست کرده اند (جفری؛ ۱۳۷۲: ۱۵۲).

ابن منظور لغوی معروف می گوید: «التوبه الرجوع من الذنب... و تاب الی الله یتوب توباً و توبه و متاباً اناب و رجع عن المعصیه الی الطاعه... و تاب الله علیه وفقه لها و الله تواب علی عبده» (لغوی: ۶۱)

۱-۶- بیان مسأله

توبه بازگشت به سوی خداوند و نخستین وادی بندگی است که در پی شکستن پیمان بندگی، نادم را شامل می شود. بر اساس اندیشه های عرفان اسلامی، معنی توبه رجوع از معصیت به طاعت است. این واژه در لسان قرآن به بازگشت شخص گناهکار نسبت داده می شود، اما گاهی فاعل و عامل آن خداوند است که دربارہ خداوند به معنی بازگشت به رحمت است، یعنی رحمتی را که به خاطر ارتکاب گناه از بنده سلب کرده بود بعد از بازگشت او به خط طاعت و بندگی، به او باز می گرداند. (شریعتمداری؛ ۱۳۷۲: ۲۹۴)

در روند این جریان، گناه به عنوان اولین عامل، و بروز آثار آن به عنوان عامل دوم موجب روی آوردن انسان عاصی به مقوله توبه می شود. همچنین در وادی سلوک اولین مقام را توبه ذکر کرده‌اند چنانچه گفته‌اند اولین مقام برای لیاقت بنده به حق توبه است. (پناهی؛ ۱۳۷۸: ۲۲۲)

و مولانا مانند هر صوفی دیگر، چنین تعلیم می‌دهد که برای گام نهادن بر جاده طریقت مقدم بر هر چیز توبه لازم است. یعنی روی برتافتن از دنیا و لذات آن و روی آوردن به اقلیم و ارزشهای معنوی، چنین توبه‌ای لازم است و بدون آن کل طریقت به روی آدمی بسته است. (شیمل؛ ۱۳۸۰: ۶۴)

۱-۷- هدف از تحقیق

توبه، از مسائلی است که تقریباً تمامی عرفا و عالمان دینی به آن پرداخته‌اند که مولانا نیز از این جمله مستثنی نیست/ و بارها این اصل را با تعابیر گوناگون مطرح نموده است و توبه را از نظر دینی، عرفانی، فقهی و عامیانه مطرح می‌کند. بنابراین ارکان توبه نزد بزرگان متفاوت است، همچنین عوامل، شرایط و آثار آن. بر این اساس، در این مجموعه کوشیده‌ایم تا جوانب و حواشی این موضوع از نظر جناب مولانا با دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱-۸- ضرورت تحقیق:

بررسی توصیه‌های اخلاقی و عملی در هر دینی و برای هر انسان معتقد به آن آئین، ضروری است. توبه نیز از وصایای مؤکد است که نه تنها در دین اسلام، بلکه در هر آئین مقدس آسمانی، آدمی به این امر دعوت شده است. و بی تردید شناخت دیدگاه بزرگان یک مکتب در باب آداب دینی و قوانین زندگی می‌تواند بهترین راهنما و یاریگر جویندگان حقیقت باشد.

به هر طریق دلیل ضرورت این تحقیق و جوب امر توبه، واهمیت کلیدی آن در عرفان واحکام شرعی و اخلاقی می‌باشد.

۹-۱- سوالات یا فرضیه های تحقیق

۱) گناه از دیدگاه مولانا چیست و دلایل توبه از آن کدامند؟

۲) مراحل توبه از دیدگاه مولانا کدامند؟

۳) تحوّل روحی انسان در اثر توبه چیست؟

۴) بر اساس جهان بینی مولانا آیا دیدگاه عرفانی و دینی در باب توبه یکسان است؟

۵) مبانی اعتقادی مولانا در این زمینه گرایش به جبر دارد یا اختیار؟

۶) عامل گناه از دیدگاه مولانا جبر است یا اختیار؟

۱۰-۱- پیشینه تحقیق:

در حیطه تحقیقات انجام شده در ایران، با بررسی در سایت های اینترنتی، همچنین با جستجو در نشریه ها و مجله های پژوهشی، تنها تحقیق در این زمینه مقاله آقای رحمان تاجمیر ریاحی تحت عنوان حدیث توبه در مثنوی در کتابخانه ملی یافت شد، که ایشان در باب این موضوع به مطالبی پراکنده پرداخته اند. و در حوزه پژوهشهای خارج از کشور موضوع مشابهی در این خصوص یافت نشد. از این رو نگرش حضرت مولانا در این مبحث مورد مطالعه قرار گرفت.

۱۱-۱- روش تحقیق:

روش تحقیق از نوع کتابخانه ای است. به این شرح که ابتدا ابیات مربوط به توبه و داستانهای که از همین موضوع در دل داستان دیگر ذکر شده بود، فیش برداری، و از متن مثنوی استخراج شد بعد از آن به دسته بندی و تنظیم فیش ها، سپس به بررسی و جمع آوری اطلاعات و مطالب بیشتر